

جهانی شدن و بحران هویت جوانان

دکتر مهرداد نوابخش

مستانه سادات نیکوکار

چکیده:

روند تغییرات اجتماعی در جهان معاصر چنان عمق و سرعتی یافته که اصیل‌ترین عرصه حیات بشری بنام "هویت" را با چالش جدی روبه‌رو نموده است. به طوری که هویت‌های متصلب پیشین که ضامن حفظ وضع موجودند، در حال تغییر می‌باشند.

بحران هویت بدون شک مهم‌ترین آسیب اجتماعی امروز جهان است که علائم آنرا می‌توان در کلیه روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در سطح بین‌المللی به وضوح مشاهده کرد. از آنجا که مجموعه تغییرات جهانی شدن اقصی نقاط جهان را در نوردیده لذا همه جوانب زندگی در دنیای جدید کم و بیش از فرایند جهانی شدن تأثیر می‌پذیرد. گرچه شدت این تغییرات در جهان کنونی یکسان نیست، اما هیچ منطقه‌ای به دور از تأثیرات و پیامدهای آنها نمی‌باشد.

جهان کنونی در چنان وضعی نیست که کشوری بتواند بدون ارتباط فعال و سنجیده با دیگران به حیات رو به رشد خود ادامه دهد. مسئله اساسی این است که در کشاکش جهانی شدن و فشارهای بین‌المللی ناشی از آن، جوانان ما به سمت بحران هویت سوق پیدا نکنند.

رویکرد نظری این تحقیق با تأکید بر نظریه گیدنز، خواهد بود. همچنین روش تحقیق، پیمایشی است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که از مبانی نظری تحقیق استخراج شده و پس از احراز اعتبار و روایی ابزار، جمع‌آوری اطلاعات و اصلاحات لازم پرسشنامه اجرا شده است. جامعه آماری، دانشجویان واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی با نمونه 200 نفری می‌باشد که انتخاب نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی انجام گرفته است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین جهانی شدن و بحران هویت جوانان که فرضیه اصلی تحقیق ما در این تحقیق می‌باشد، رابطه مستقیم و قوی وجود دارد و کاهش اهمیت عناصر هویت‌بخش به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن نیز بر بحران هویت جوانان تأثیرگذار است. همچنین فرهنگ مصرف‌گرایی از نوع غربی و استفاده از محصولات تولیدی غرب در دوره جهانی شدن رابطه مستقیم نسبتاً ضعیفی با بحران هویت جوانان دارد و نیز بین آگاهی در باب جهانی شدن و عدم بحران هویت جوانان رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد. بین جهانی شدن فرهنگ به عنوان یکی از شاخه‌های جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه معکوس نسبتاً ضعیفی وجود دارد. همچنین در این تحقیق عدم وجود رابطه بین رسانه‌های جمعی و بحران هویت جوانان نیز به اثبات رسیده است.

واژه‌های کلیدی: بحران هویت، جهانی شدن، جهانی شدن فرهنگی، آگاهی و رسانه‌های جمعی.

بیان مسئله:

مضمون اصلی این تحقیق جهانی شدن و تأثیر آن در ایجاد بحران هویت در بین جوانان می‌باشد. جوانان هر کشور به دلیل آنکه بدنه فعال، پویا و پراکنگیزه هر ملت و بهترین منابع انسانی در زندگی جمعی محسوب می‌شوند، سهم مؤثری در تضمین حیات فرهنگی و ملی کشورهای متبوع دارند. دستیابی مطلوب به هویت در ابعاد فردی، دینی و ملی در جوانان، هم درجه امید به آینده را بالا می‌برد و هم مایه اعتماد نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهاد حکومت به آنان و نقش آنها در ضمانت زیست‌جمعی در دهه‌های آینده است. بنابراین کیفیت و درجه هویت فردی، دینی و ملی آنان می‌تواند نقش مؤثری در توسعه فرهنگ ملی و دینی هر کشوری ایفا نماید.

بحران هویت بدون شک مهم‌ترین آسیب اجتماعی امروز جهان است که علائم آن را می‌توان در کلیه روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی به‌وضوح مشاهده کرد. از این منظر هویت یکی از مقوله‌های کلان در فرایندهای اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که در یک بازه زمانی (عصر و دوره‌ای که در آن واقیم) و یک محدوده مکانی (جغرافیای محل زندگی) شکل می‌گیرد و قوام می‌یابد و از آنجا که مجموعه تغییرات جهانی شدن اقصی نقاط جهان را در نوردیده لذا همه جوانب زندگی در دنیای امروزی کم و بیش از فرایند جهانی شدن تأثیر می‌پذیرد. گرچه شدت این تغییرات در جهان کنونی یکسان نیست، اما هیچ منطقه‌ای به‌دور از تأثیرات و پیامدهای آنها نمی‌باشد.

جهان کنونی در چنان وضعی نیست که کشوری بتواند بدون ارتباط فعال و سنجیده با دیگران به حیات رو به رشد خود ادامه دهد. مسئله اساسی این است که در کشاکش جهانی شدن و فشارهای بین‌المللی ناشی از آن جوانان ما به سمت بحران هویت سوق پیدا نکنند.

به‌طور ساده می‌توان گفت جهانی شدن به تغییر یا دگرگونی در سطح ساماندهی بشری اشاره دارد که جوامع دور از هم را با یکدیگر مرتبط می‌سازد و دامنه دسترسی روابط قدرت در سراسر مناطق و قاره‌های جهان را گسترش می‌دهد. (هلد و دیگران، 17:1382) هرچه باشد جهانی شدن واقعیتی غیرقابل انکار است که مؤثرترین عامل زایش آن، تحول تکنولوژیک و مهم‌ترین اثرات آن در دگرگونی مفهوم فاصله، زمان مرز و ارتباط قابل مشاهده است. (نشریه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره 15:181)

در جوامع سنتی پیوند تنگاتنگ فضا، زمان و فرهنگ در یک مکان یا محل و سرزمین معین، نیازهای هویتی را به‌خوبی تأمین می‌کرد و انسان‌ها درون دنیاهای اجتماعی کوچک، محدود، پایدار و منسجم خود به هویت و معنای مورد نیاز خود به‌آسانی دست می‌یافتند، ولی فرایند جهانی شدن با پاره‌کردن این پیوند و نفوذپذیر کردن و فرو ریختن مرزهای مختلف زندگی اجتماعی، آن دنیاها را به شدت متزلزل و حتی نابود کرد. تحت تأثیر این دگرگونی‌های بنیادین، امکان هویت‌یابی سنتی بسیار کاهش یافته و نوعی بحران هویت و معنا پدیدار شده است. (گل محمدی، 245:1383)

جهانی شدن با نفوذپذیر کردن مرزها و افزایش دادن چشمگیر برخوردهای فرهنگی، آگاهی انسانها را از عناصر فرهنگی دیگر، مانند هنجارها، ارزشها، آداب و ادیان بیشتر می کند و این دانایی در واقع آگاهی از نسبی بودن دنیاهای اجتماعی و فرهنگی گوناگون و پرشمار است. در چنین شرایطی باور داشتن به برتری دنیای خاص و دفاع از درستی مطلق آن در برابر فرهنگهای دیگر بسیار دشوار می شود. هنگامی که مهم ترین منبع هویت سازی سنتی چنین متزلزل و نسبی می شود، افراد وابسته به آن منبع دچار بحران هویت خواهند شد. (Peterson, ۱۹۹۹:۷۹)

فرد هرگاه به درک واقعی خود نایل شود، می تواند انسان شایسته و درستی شود. اگر انسانها به طور اعم و جوانان به طور اخص بتوانند به هویت واقعی خود دست یابند، این امر باعث تثبیت موقعیت آنان و رسیدن به اهداف شان می شود و شناخت هویت، آنها را در پروژه شخصیت سازی که بسیار مهم است، راهنمایی می کند.

با توجه به مطالب گفته شده و در نظر گرفتن جوان بودن جمعیت ایران، در این تحقیق سعی می شود تا با مطالعه در مورد روند صحیح حرکت به سمت جهانی شدن، به جلوگیری از بحران هویت جوانان در این راستا دست یابیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

جوان بودن جمعیت ایران همراه با تغییر و تحولات فرهنگی متعددی که در اثر عوامل مختلف از جمله انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و همچنین شکاف روزافزونی که میان نسلها حاکم شده از یک طرف و موقعیت همه جانبه ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه و رو به روند جهانی شدن و جایگاه آن در میان سایر کشورهای جهان و همچنین هجوم فرهنگهای بیگانه از طرق مختلف به این کشور از طرف دیگر، همه و همه نشان دهنده اهمیت بسیار زیاد قشر جوان به عنوان یک جمعیت فعال و آینده ساز می باشد. به عبارت دیگر می توان گفت در جهان امروز وضعیت و جایگاه هر کشوری با توجه به ساختار، روند، ماهیت و عملکرد دو عامل زیر مشخص می شود:

1- ماهیت ساختاری و عملکرد ارکان و عناصر اصلی و تشکیل دهنده نظام اجتماعی آن کشور؛

2- شرایط و موقعیت منطقه ای و جهانی آن کشور.

در ارتباط با عامل اول باید گفت که عناصر و ارکان اصلی جامعه ما (ساختار جغرافیایی و محیط زیست، ساختار جمعیتی، ساختار اقتصادی، ساختار فرهنگی و ساختار سیاسی) به خاطر ناهمگونی، زمینه های ظهور و بروز مسائل و بحرانهای گوناگون در جامعه را فراهم نموده است. به علاوه کشور ایران با داشتن حدود چهل میلیون نفر جمعیت جوان از کل جمعیت تقریباً هفتاد میلیون نفری به عنوان یک کشور جوان شناخته می شود. (مرکز آمار ایران، 1375) بنابراین جوان بودن جمعیت ایران و حرکت این جامعه به سمت فرایند جهانی شدن، نشانگر اهمیت برنامه ریزی درست و صحیح در حرکت به سمت جهانی شدن و فاصله گرفتن از بحران هویت این قشر جوان می باشد.

اهداف پژوهش:

الف) اهداف کلی:

حساسیت مسئله هویت در میان جوانان و اهمیت دوره جوانی با توجه به اینکه جمعیت ایران از لحاظ ترکیب سنی جوان به حساب می‌آید و اینکه دوران جوانی دوره‌ای است که در آن بحران هویت‌یابی بر سازمان روانی فرد چیره می‌شود و جوان تشنه هویت را به جست‌وجو و سنجش ارزش‌های مختلف و گاه متضاد هدایت می‌نماید، تا در پایان این دوره بحرانی احساسی از داشتن هویت را برای وی به ارمغان آورد. حال با توجه به اینکه کشور ایران و قشر جوانان تحصیل‌کرده کمابیش تحت تأثیر جهانی شدن است، هدف کلی این مقاله بررسی بحران هویت جوانان در فضای جهانی شدن و تأثیر جهانی شدن بر این بحران می‌باشد.

ب) اهداف جزئی:

- 1- هدف اول ما توصیفی از جهانی شدن و بحران هویت جوانان است؛
- 2- بررسی رابطه جهانی شدن و بحران هویت جوانان هدف دیگر مقاله می‌باشد.

هویت¹:

معمای هویت در سطح فردی و اجتماعی مهم‌ترین دغدغه انسان امروزی است و یکی از اساسی‌ترین و بدیع‌ترین مباحث عصر مدرن² و پسامدرن³ شمرده می‌شود.

این مهم ناشی از آن است که انسان‌ها دارای هویت‌های گوناگونی هستند که لزوماً این هویت‌ها در مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرند. زیرا افراد از هویت‌های گوناگون به عنوان بسته‌های اطلاعاتی استفاده کرده و در موقعیت‌های مناسب از آنها سود می‌جویند.

جهانی شدن⁴:

سال‌های پایانی سده بیستم و ماه‌های آغازین هزاره سوم میلادی با بحث‌های داغ و مناقشه‌برانگیز درباره جهانی شدن همراه بود. مشکلات اقتصادی کشور بعضاً به فشارهای ناشی از جهانی شدن نسبت داده می‌شود، گردانندگان بنگاه‌های اقتصادی گوناگون، کوچک‌تر کردن شرکت‌های خود را برای ادامه حیات در چارچوب اقتصاد جهانی ضروری می‌دانند؛ طرفداران محیط زیست تأثیر مخرب جهانی شدن مهار نشده را فریاد می‌زنند و پشتیبانان اجتماع‌های بومی مختلف، نسبت به نابودی خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های کوچک در برابر موج فراگیر فرهنگ جهانی هشدار می‌دهند، ولی با وجود کاربرد و اهمیت فراوان جهانی شدن، معنا و مفهوم آن هنوز چندان روشن نیست. (دهشیری، 1379: 72)

¹ -Identity

² -Modern

³ -Postmodern

جهانی شدن که قدمت زیادی دارد و دست کم همزمان با فرایند نوسازی آغاز شده، فرایندی پیچیده و چندوجهی دارد. این فرایند هم جهانی شدن اقتصاد، هم وابستگی متقابل میان واحدهای ملی و هم شکل گیری آگاهی از تعلق به جهانی واحد را در بر می گیرد. همه پیوندهای فردی و اجتماعی روی زمین نیز مشمول فرایند جهانی شدن است و از این رو این فرایند باعث وحدت جامعه انسانی می شود. به عبارت دیگر گستره محیط اجتماعی فرد، جهانی می شود.

شکل گیری دهکده جهانی و کوچک شدن جهان هم محور بحث نظریه پردازان مورد نظر است. البته این موضوع معطوف به نوعی پدیدارشناسی انقباضی است. گرچه صاحب نظران مختلف از کوچک شدن زمین و از بین رفتن فضا سخن می گویند، اما این یک حقیقت، پدیدارشناسانه است تا واقعی. یعنی به نظر می رسد که جهان، کوچک شده است، در حالی که از لحاظ اندازه کوچک نمی شود. از آنجا که می خواهیم فضا را با زمان اندازه بگیریم، به اندازه ای که فاصله میان دو نقطه جغرافیایی کوتاه تر می شود، فضا هم محدودتر و کوچک تر به نظر می آید. اگر پیوند میان دو نقطه - که از لحاظ مادی و فیزیکی دور هستند - در یک لحظه ممکن شود، فضا ناپدید می شود. پس جهانی شدن متضمن نابودی پدیدارشناختی فضا و عامیت و کلیت یافتن زمان است.

چارچوب نظری تحقیق:

چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق برگرفته از نظریه "آنتونی گیدنز" یکی از جامعه شناسانی است که به ساختار اجتماعی و فرد در جریان کنش متقابل اجتماعی توجه می کند. گیدنز شناخته شده ترین کوشش را در زمینه پیوند سطح خرد و کلان در جامعه انجام داده است. (ریترز، 1379: 600)

گیدنز به پدیده هویت در جامعه جدید توجه کرده است. او در کتاب «تجدد و تشخیص» هویت را تعریف کرده و فرآیند تشکل آن را طرح نموده است.

به عقیده گیدنز «تمایل به اعتماد، در ارتباط با موقعیت های خاص، اشخاص یا نظام ها، و حتی در سطحی وسیع تر، مستقیماً مرتبط است با امنیت روانی افراد و گروه ها. اعتماد و امنیت، خطر کردن و در معرض خطر قرار گرفتن، چیزهایی هستند که به مناسبت های تاریخی مختلف در جامعه متجدد وجود داشته و دارد». (همان: 39)

گیدنز معتقد است که «در عصر تجدد کنونی، نفوذ و تأثیر رویدادهای دور دست بر رخداد های نزدیک تر، و همچنین بر خصوصی ترین گوشه های «خود» ما، بیش از پیش به صورت پدیده ای رایج و متعارف در می آید.

به عقیده گیدنز «اوضاع و احوال اجتماعی، هیچگاه از زندگی شخصی جدا نیست، و به طور کلی نمی توان آنها را صرفاً به عنوان محیط خارجی زندگی شخصی در نظر گرفت. افراد در جریان مبارزه با مسائل خصوصی خود فعالانه به تجدید ساختمان دنیای اجتماعی پیرامون خود کمک می کنند». (همان: 29-30)

به نظر او، تغییر شکل هویت و پدیده «جهانی‌شدن»⁵ در دوران اخیر، دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی را تشکیل می‌دهند. به عبارت روشن‌تر، حتی تغییرات وجوه بسیار خصوصی زندگی شخصی نیز مستقیماً با تماس‌های اجتماعی بسیار وسیع و پر دامنه ارتباط دارد. (همان: 56)

«دنیای تجدد به طرز عمیقی در قلب هویت و احساسات شخصی نیز نفوذ می‌کند. مفهوم هویت در حقیقت روایت دیگری از «خویش‌نیایی» است که شرایط اجتماعی دنیای متجدد در تقویت آن نقشی به سزا دارد. این فرآیند یکی از عوامل فعال تغییر و تبدیل‌هایی است که در جامعه تجدد به چشم می‌خورد». (همان: 30)

به اعتقاد گیدنز، «محتوای هویت شخص یا به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که زندگینامه شخص از آنها ساخته می‌شود، مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است» (همان: 85)

هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد، بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، شیوه زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت‌اش و ساخت و هم‌چنین با تجدید ساخت آن، سرو کار خواهد داشت». (همان: 120)

با این حال به نظر او «سخن گفتن از کثرت انتخاب الگوهای شیوه زندگی نباید به این پندار بینجامد که در همه انتخاب‌ها به روی همه افراد باز است، یا آنکه مردم همه تصمیم‌های مربوط به انتخاب‌های خویش را با آگاهی کامل از کلیه امکانات موجود اتخاذ می‌کنند. در واقع تعدد الگوهای کلی شیوه زندگی، البته بسیار کمتر از تعدد انتخاب‌های موجود در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک روزمره یا حتی دراز مدت است. هر شیوه زندگی، مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها، جهت‌گیری‌ها، و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است، که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینه‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تأمین می‌کند». (همان، 121)

گیدنز اصطلاحی تحت عنوان «لحظه‌های سرنوشت‌ساز»⁶ را مطرح می‌کند. لحظه‌های سرنوشت‌ساز را می‌توان به- مفهوم خصیصه‌های پدافعه‌تر بعضی از فعالیت‌های نتیجه‌بخش دانست که شخص در طی زندگی روزمره یا طول عمرش انجام می‌دهد. (همان: 162)

«لحظات سرنوشت‌ساز ممکن است فرصت‌هایی برای مهارت‌یابی مجدد و قدرت‌یابی باشد. لحظات سرنوشت‌ساز، در حقیقت نقاطی هستند که در آنها فرد، صرف‌نظر از آنکه تا چه حد برای شکل دادن به هویت خود تحت تأثیر بازتاب‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. الزاماً باید به پا خیزد و مقتضیات نوین و همچنین امکانات جدیدی را مورد توجه قرار دهد. در چنین لحظاتی است که شخص باید نگاه تازه‌ای به زندگی بیفکند. تعجب‌آور نخواهد بود که هرگونه تلاش و کوشش جدی و پیگیری برای مهارت‌یابی مجدد، اهمیتی خاص به خود گیرد. هنگامی که پای تصمیم‌گیری‌ها به میان می‌آید، افراد معمولاً به تکاپو افتاده تا وقت و انرژی لازم برای تسهیل و تأمین تسلط‌یابی بر موقعیت‌های ممکن‌الوقوع را

⁵ - globalisation

⁶ - fatep - ulmoments.

بسیج کنند. لحظه‌های سرنوشت‌ساز، نقاط عطفی هستند که پیامدهایی بسیار مهم، نه فقط برای چگونگی رفتار فرد در آینده، بلکه برای هویت وی دربر دارند، زیرا تصمیم‌گیری‌های پراهمیت، به مجرد آنکه تحقق یابند، از طریق تحولاتی که در شیوه زندگی پدید می‌آورند، تأثیرات بازتابی خود را بر شکل‌گیری هویت اعمال می‌کنند.» (همان: 203)

به اعتقاد گیدنز، «هویت امروزین نوعی دستاورد بازتابی است. روایتی که برای هویت خویش در نظر می‌گیریم، الزاماً باید در ارتباط با تغییرات سریع زندگی اجتماعی (به مقیاس محلی و جهانی) شکل بگیرد، دگرگون شود، و به‌طور بازتابی، استحکام یابد. فرد باید اطلاعات حاصل از انواع تجربیات با واسطه را چنان با مسائل محلی در هم بیامیزد که در نهایت بتواند طرح‌های آینده را به طرز منسجم و معتدل با تجربیات گذشته مرتبط سازد. این مقصود فقط هنگامی به تحقق خواهد پیوست که شخص قادر باشد به اصالت درونی دست یابد، منظور چارچوبی از اعتماد بنیادین است که به وسیله آن بتوان دوره عمر را به عنوان نوعی وحدت، در برابر رویدادهای اجتماعی پراکنده ساز، در نظر گرفت.» (گیدنز، 1382: 301)

گیدنز معتقد است که «ما در جهانی با تحولات بسیار شگرف به سر می‌بریم. در حال حاضر سه نوع تحول در دنیای جدید در حال رخ دادن است و وظیفه جامعه‌شناسی این است که تحلیل کند، این تحولات چه تأثیری بر زندگی امروز ما دارند.» (گیدنز، 61:1380)

این تحولات عبارتند از:

1- تأثیر جهانی‌شدن: از نظر گیدنز، «جهانی‌شدن به معنای وابستگی متقابل و فزاینده است. زندگی ما ارتباط بیش از پیش تنگاتنگ‌تری با رویدادهایی دارد که کیلومترها دورتر و حتی در آن سوی جهان رخ می‌دهند. جهانی‌شدن بر همه جا تأثیر می‌گذارد، حتی بر فقیرترین کشورهای جهان. بارزترین جلوه‌های آنرا می‌توان در نقش بازارهای مالی دید، اما جهانی‌شدن صرفاً اقتصادی نیست، بلکه بر گسترش فزاینده ارتباطات و نیز بر یکپارچگی افزون‌تر فرهنگی و سیاسی نیز دلالت دارد.» گیدنز معتقد است «پس از انقلاب ارتباطات و اتصال تکنولوژی ماهواره‌ای به رایانه‌ها، ما می‌توانیم در یک چشم به‌هم زدن در هر زمان و با هرکسی در هر نقطه‌ای از جهان ارتباط برقرار کنیم. این ارتباط آنی بسیاری از جنبه‌های زندگی ما را تغییر می‌دهد. جلوه بارز جهانی‌شدن فرهنگی را می‌توان در گسترش زبان انگلیسی در سرتاسر جهان و نیز در برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌هایی دید که گاهی صدها میلیون بیننده در کشورهای مختلف دارد. از لحاظ سیاسی جهان بیش از پیش به هم پیوند خورده و اکثر دولت‌ها هم اکنون پذیرفته‌اند که بسیاری از تصمیم‌ها را نمی‌توان صرفاً در سطح ملی اتخاذ کرد. برای مثال، مسائل زیست‌محیطی که حقیقتاً نیازمند پاسخ نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح جهانی است.»

2- دومین تأثیر عظیم، عبارتست از تحولات تکنولوژیک، «تکنولوژی اطلاعات بسیاری از شیوه‌های کار و زندگی ما را تغییر داده است. برای مثال به‌طور کلی ماهیت مشاغل تغییر کرده و تکنولوژی اطلاعاتی در همه جا از اهمیت خاصی برخوردار است.»

3- سومین تأثیر بنیادین، عبارت از این است که ساختار زندگی ما نه با گذشته بلکه بیشتر با آینده قرین است. «در مقایسه با گذشته، عادت‌ها، رسوم و سنت‌ها نقش کمتری برای ما و به‌ویژه در کشورهای صنعتی ایفا می‌کنند. مثال بارز آن نقش زنان است.» (همان: 62)

اگر گیدنز در واکنش به نظریه‌های نظام جهانی، بر پیچیدگی فرایند جهانی شدن و جنبه اجتماعی آن تأکید می‌کند، رابرتسن با پرداختن به جنبه‌های فرهنگی-اجتماعی جهانی شدن، واکنش مشابهی نشان داده و فرایند جهانی شدن را بسیار پیچیده‌تر از آن می‌داند که نظریه‌های اقتصاد محور بتوانند از عهده توصیف و تبیین آن برآیند. بنابراین در نظریه او نظام جهانی جایگاهی نسبتاً فرعی دارد و در آن بیشتر بر عنصر آگاهی تأکید می‌شود. (Friedman, ۱۹۹۴:۱۹۶)

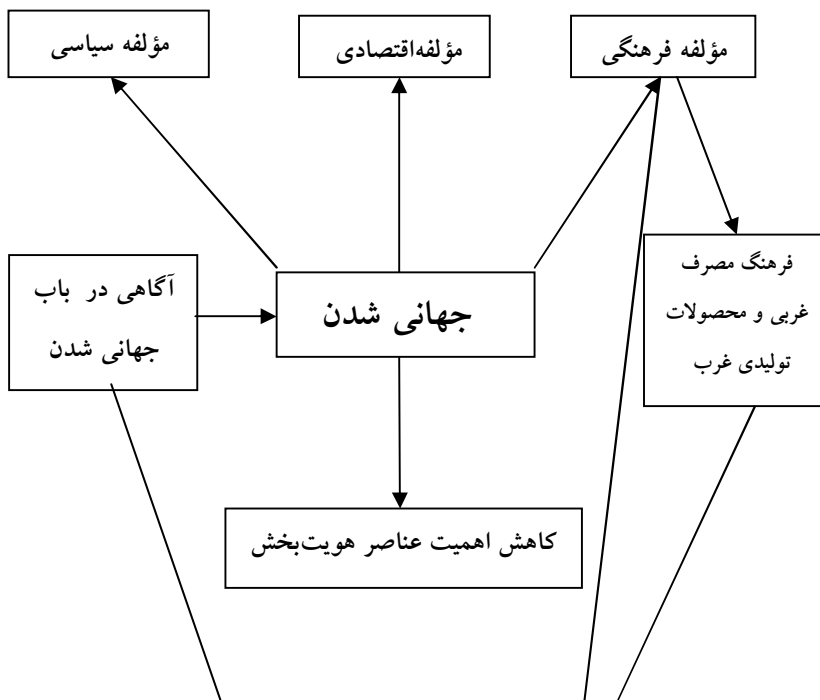
فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی:

به نظر می‌رسد بین جهانی شدن و میزان بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- 1- به نظر می‌رسد بین کاهش اهمیت عناصر هویت‌بخش بعنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن و میزان بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد.
- 2- به نظر می‌رسد بین استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد.
- 3- به نظر می‌رسد بین جهانی شدن فرهنگی و میزان بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد.
- 4- به نظر می‌رسد گرایش به فرهنگ مصرف غربی و محصولات تولیدی غرب در دوره جهانی شدن، پیامد بحران هویت جوانان را به دنبال دارد.
- 5- به نظر می‌رسد بین آگاهی در باب جهانی شدن و عدم بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد.





بحران هویت جوانان

مدل تحقیق آزمون شده، برگرفته از چارچوب نظری تحقیق

روش و تکنیک تحقیق:

روش تحقیق این مطالعه روش اسنادی و پیمایشی می‌باشد. با استفاده از روش اسنادی ابعاد نظری و مفهومی موضوع، مورد بررسی واقع و با به‌کارگیری روش پیمایشی چگونگی توزیع و روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق در جامعه مورد مطالعه بررسی قرار گرفته است. در روش اسنادی از تکنیک فیش‌برداری برای جمع‌آوری اطلاعات اسنادی استفاده شده و در روش پیمایشی از تکنیک پرسشنامه که پس از پیش‌آزمون و انجام دادن اصلاحات لازم برای جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفته، استفاده شده است. داده‌ها با نرم‌افزار Spss مورد پردازش قرار گرفته و با استفاده از فنون آماری تعبیه شده در این نرم‌افزار بر حسب سطح سنجش هر یک از متغیرها مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است.

حجم نمونه:

جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم و تحقیقات، با حجم 23500 نفر تشکیل می‌دهند.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} / 96 = \text{ضریب اطمینان 95 درصد} \quad N = \text{حجم جمعیت آماری} = 23500$$

d درصد خطا در تعیین حجم نمونه = 05%

S^2 پیش‌برآورد واریانس = 13/

بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه 200 نفر می‌باشد که این تعداد از میان جامعه آماری به صورت تصادفی انتخاب شدند.

پایایی پرسشنامه:

برای سنجش پایایی، ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده خواهد شد. در این تحقیق 30 دانش آموز در مرحله پیش آزمون از جمعیت آماری به‌طور تصادفی انتخاب و پرسشنامه بین آنها توزیع گردید، که نتیجه پایایی آن به شرح زیر می‌باشد:

محاسبه روایی گویه‌ها:

ضریب روایی شاخص وسایل ارتباط جمعی 3/67 می‌باشد که برای به‌دست آوردن روایی مناسب شاخص‌های رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون، ماهواره، مطبوعات و...) باید گویه‌هایی که بیشترین درصد ناسازگاری را دارند حذف کنیم تا روایی قابل قبول حاصل شود. با حذف سه گویه 2، 4 و 6 ضریب روایی 5/51 به‌دست می‌آید.

برای به‌دست آوردن روایی مناسب، شاخص بحران هویت (از خود بیگانگی، احساس پوچی، احساس بی‌معناری، و جدایی از خویشتن) باید چند گویه را حذف کنیم تا روایی قابل قبول حاصل شود. با حذف چهار گویه 2 و 3 و 8 و 9 ضریب روایی 5/56 به‌دست می‌آید.

برای به‌دست آوردن روایی مناسب شاخص‌های عناصر هویت‌بخش (زمان و مکان) باید برای سازگاری درونی مناسب گویه 5 را حذف کنیم تا سازگاری قابل قبول‌تری حاصل شود. با حذف گویه‌های مورد نظر، ضریب روایی 7/17 به‌دست می‌آید.

ضریب روایی شاخص جهانی شدن 8/81 می‌باشد؛

ضریب روایی شاخص جهانی شدن فرهنگی 7/71 می‌باشد؛

ضریب روایی شاخص مصرف‌گرایی 8/87 می‌باشد؛

ضریب روایی گویه‌های آگاهی در باب جهانی شدن 6/68 می‌باشد.

جدول 1: ارتباط بین جنس و بحران هویت جوانان

بحران هویت جوانان			متغیر
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار T	جنس
%4	198	%8	زن
			مرد

بین جنس و بحران هویت جوانان (اسمی دو حالت - رتبه‌ای) از آزمون تی تست استفاده می‌کنیم. بر اساس مقدار تی 8% با درجه آزادی 189 و سطح معنی‌داری 4% رابطه‌ای بین دو متغیر فوق وجود ندارد.

جدول 2: ارتباط بین رشته تحصیلی و بحران هویت جوانان

بحران هویت جوانان			متغیر
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار F	رشته
4%	2	7%	انسانی
			فنی
			علوم پایه

بین رشته تحصیلی و بحران هویت جوانان (اسمی چند حالت - رتبه‌ای) از آزمون اف استفاده می‌کنیم. بر اساس مقدار به‌دست آمده 7% با درجه آزادی 2 و سطح معنی‌داری 4% رابطه‌ای بین آنها وجود ندارد.

جدول 3 (فرضیه اصلی تحقیق): ارتباط بین جهانی‌شدن و بحران هویت جوانان

بحران هویت جوانان	متغیر	
**65%	R	جهانی شدن
00%	Sig	

همان‌گونه که در جدول فوق نشان داده می‌شود با توجه به سطح سنجش هر دو متغیر که رتبه‌ای می‌باشند از ضریب اسپیرمن استفاده می‌کنیم. بین جهانی‌شدن و بحران هویت جوانان با احتمال بیش از 99% فرضیه مذکور معنادار و شدت رابطه 65% است که بیانگر وجود رابطه قوی و مستقیم میان دو متغیر است و در نهایت فرضیه بالا تأیید می‌شود.

جدول 4 (فرضیه اول): ارتباط بین کاهش عناصر هویت بخش بعنوان پیامد جهانی‌شدن و بحران هویت جوانان

متغیر	بحران هویت جوانان
-------	-------------------

**%24	R	عناصر هویت بخش
%001	Sig	

برای سنجش رابطه بین دو متغیر رتبه‌ای فوق از ضریب اسپیرمن استفاده می‌کنیم که با ضریب اطمینان 99% و با شدت رابطه 24% فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول 5 (فرضیه دوم): ارتباط بین رسانه‌های جمعی و بحران هویت جوانان

بحران هویت جوانان	متغیر	
-%024	R	رسانه‌های جمعی
%7	Sig	

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود هر دو متغیر در سطح سنجش رتبه‌ای قرار دارند لذا سطح معناداری در فرضیه فوق غیرقابل قبول است و نشان دهنده عدم رابطه بین رسانه‌های جمعی و بحران هویت جوانان می‌باشد. در نتیجه، فرضیه فوق رد می‌گردد.

جدول 6 (فرضیه سوم): ارتباط بین جهانی شدن فرهنگی و بحران هویت جوانان

بحران هویت جوانان	متغیر	
**-%19	R	جهانی شدن فرهنگی
%007	Sig	

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌کنید هر دو متغیر در سطح سنجش رتبه‌ای قرار دارند لذا با احتمال بیش از 99% فرضیه مذکور معنادار است ضمناً شدت همبستگی 19%- است که رابطه نسبتاً ضعیف و معکوس را نشان می‌دهد.

جدول 7 (فرضیه چهارم): ارتباط بین فرهنگ مصرف غربی و محصولات تولیدی غرب در دوره جهانی شدن و بحران هویت جوانان

بحران هویت جوانان	متغیر	
*-%18	R	فرهنگ مصرف غربی و محصولات تولیدی غرب
%01	Sig	

هر دو متغیر در فرضیه فوق در سطح سنجش رتبه‌ای قرار دارند و برای سنجش آن از ضریب اسپیرمن استفاده می‌شود و همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با احتمال 95% فرضیه مذکور معنادار است و شدت رابطه آنها 18% - می‌باشد که رابطه معکوس و نسبتاً ضعیف را نشان می‌دهد در نتیجه فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

جدول 8 (فرضیه پنجم): ارتباط بین آگاهی در باب جهانی شدن و عدم بحران هویت جوانان

بحران هویت جوانان	متغیر	
**%27	R	آگاهی در باب جهانی شدن
%00	Sig	

هر دو متغیر در فرضیه فوق در سطح سنجش رتبه‌ای قرار دارند و برای سنجش آن از ضریب اسپیرمن استفاده می‌شود. همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با احتمال 99% فرضیه مذکور معنادار است و شدت رابطه آنها 27% می‌باشد که رابطه مستقیم و ضعیف را نشان می‌دهد و فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

یافته‌های تحقیق:

یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه شده که در اینجا نتایج تحقیق به‌طور خلاصه ارائه می‌شود:

یافته‌های توصیفی:

حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران 200 نفر برآورد شده که از میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات نمونه‌گیری به‌عمل آمده است. مشخصات فردی پاسخگویان برحسب جنسیت، سن، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، سال ورود و وضعیت تأهل آنان تشریح شده است.

1- تعداد دانشجویان مرد 43.5 و تعداد دانشجویان زن 56.5 است که نشان دهنده حضور فعال زنان در مراکز آموزش عالی می‌باشد.

2- 38 درصد دانشجویان بین سنین 28 تا 30 سال می‌باشند که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

3- حضور دانشجویان در مقاطع تحصیلی به ترتیب کارشناسی 47.5، کارشناسی ارشد 45 و دکتری 7.5 درصد می‌باشد.

4- بیشترین فراوانی در شاخه‌های تحصیلی دانشجویان را گروه فنی و مهندسی با 59.5 درصد و سپس به ترتیب علوم پایه و علوم انسانی به‌خود اختصاص داده‌اند.

5- تعداد دانشجویان متأهل 19 درصد و تعداد دانشجویان مجرد 81 درصد می‌باشد که نشان دهنده مجرد بودن جمعیت جوان کشور است لذا توجه به علل و عوامل آن به عنوان یکی از معضلات جامعه امروز مهم می‌باشد.

یافته‌های استنباطی:

یافته‌های تحقیق بر اساس 5 فرضیه فوق به دست آمده است که به طور مختصر به آن اشاره می‌شود:
فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود این رابطه تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین کاهش اهمیت عناصر هویت‌بخش به عنوان پیامد جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود این رابطه تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین جهانی شدن فرهنگی و بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود این رابطه تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین فرهنگ مصرف غربی و محصولات تولیدی غرب در دوره جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود این رابطه تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین آگاهی در باب جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود این رابطه تأیید می‌شود.

نتیجه گیری:

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بین جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه وجود دارد ولی این نتیجه نباید گریز از جهانی شدن را به دنبال داشته باشد چرا که امروزه جهانی شدن به یک اصطلاح کاملاً رایج در رسانه‌ها، تجارت، اقتصاد، سیاست و مجامع روشنفکران تبدیل شده است. ولی نکته اساسی این است که این مفهوم به صورت یک واقعیت اجتناب ناپذیر درآمده و گریز از پیامدهای آن ناممکن می‌باشد.

از این رو شناخت ابعاد گوناگون آن به ویژه در جامعه ما از ضرورتی حیاتی برخوردار است. جهانی شدن نیز مانند بسیاری از تحولات دیگر تاریخی هم پیامدهای مثبت و هم منفی دارد. بنابراین باید برای بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت آن آماده شد و آن‌ها را شناخت.

در اغلب بررسی‌های نظری، آثار جهانی شدن در سه عرصه زندگی اجتماعی مهم و اساسی تلقی شده‌اند که عبارتند از:

1- عرصه اقتصادی: نظام‌های اجتماعی خاص تولید، مبادله، توزیع و مصرف کالاها و خدمات ملموس (مادی).

2- عرصه سیاست و حکومت: نظام‌های اجتماعی مخصوص تمرکز و اعمال قدرت، به ویژه در مبادله سازمان یافته

مبتنی بر اعمال فشار و نظارت (از طریق نیروی نظامی، پلیس و نظایر آن) و نیز نهادینه شدن قوانین و مقررات است.

3- عرصه فرهنگی: نظام‌های اجتماعی خاص تولید و مبادله کالاهای فرهنگی و نمادهایی که گویای واقعیت‌ها، احساسات، مفاهیم، اعتقادات، علایق، ذوق و سلیقه و ارزش‌ها است.

جهانی‌شدن امیدهای فراوانی برای جهانیان ایجاد کرده است. اما تحقق این امیدها در گرو مدیریت صحیح فرایند جهانی‌شدن و توجه به پیامدهای منفی جهانی‌شدن است.

محصولات فرهنگی، امروز به سرعت از بسترهای محلی خود رها و جهانی می‌شوند. پس فرهنگ جهانی هر چه باشد، صرفاً حامل هویت فرهنگی، جغرافیایی یا ملی خاص نخواهد بود.

در طی فرایند جهانی‌شدن، انسان فارغ از قید و بندهای سنت و طبیعت دارای آزادی و استقلال عمل چشم‌گیری است و باید در فضای اجتماعی بسیار پهناور، دنیا و هویت خود را بسازد.

در جریان جهانی‌شدن، یک جامعه بدون قلمرو، بدون انسجام و متشکل از جوانان پا به عرصه گذاشته است. این طبقه ظاهراً شامل گروه سنی خاصی است، هر چند در اصل در بر گیرنده شیوه‌های زندگی و مراحل از رشد روانی است که تحت عنوان «جوانی» می‌شناسیم. بیشتر فرهنگ جهانی را فرهنگ جوانان تشکیل می‌دهد. مصرف‌گرایی جهانی و محصولات تولیدی غرب جوانان سراسر دنیا را از طریق فیلم‌ها، موسیقی‌ها و رسانه‌های دیداری - شنیداری جهانی پیوند می‌دهد.

دوران معاصر دوران دل‌مشغولی انسان معاصر جدید در باب معمای «هویت» است. دانش و قدرت، توشه انسان در راه شناخت کیستی و چیستی «خود» در برابر «دیگری» است. هویت موجودیتی پویا دارد، درون هویت یک ساز و کاری وجود دارد که انباشتی یا انباشت دهنده است. یعنی لزوماً وقتی می‌بینید که هویتی شکل می‌گیرد و تحت فشار بیرونی از بین می‌رود و نمی‌تواند تداوم پیدا کند، به این معنا نیست که این از بین رفتن یعنی از بین رفتن کامل و هویت بعدی که به وجود می‌آید باید از صفر شروع کند.

در صورت برخورد هوشیارانه با جهانی‌شدن است که می‌توان از «خود» چنان محافظت کرد که یکسره در متغیرها فرو نیفتاده و نه از آنها به کلی کناره جست. بدین‌سان این «خود» با «خودها»ی دیگر در ساختن فرهنگ مشترک جهانی مشارکت می‌ورزد و این مشارکت هر اندازه ناچیز باشد بهتر از نابودی کامل است. مسئله، بودن یا نبودن است و مهم‌تر آن است که ما باشیم و دیگران نیز باشند؛ نه اینکه لزوماً به بهانه نیستی دیگران، تنها خود بمانیم.

فهرست منابع فارسی:

1- آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، 1372.

- 2- آقازاده، حسین، بررسی جامعه شناسی ابعاد هویت دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، 1377.
- 3- ادریسی، افسانه، جهانی شدن فرهنگ و هویت یابی ملی جوانان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، 86-85.
- 4- اشرف، احمد، «هویت ایرانی»، فصلنامه گفتگو، شماره 3، 1372.
- 5- بهاء الدین، کامل، ملیت در جهان بی هویت (چالش های جهانی شدن)، ترجمه حجت رسولی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1384.
- 6- توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، 1382.
- 7- جنکینز، ریچارد، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر پژوهش شیرازه، 1381.
- 8- دوران، بهزاد، تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی، پایان نامه دکتری، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس، 1382.
- 9- رابرتسون، رونالد، جهانی شدن - تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات ثالث، 1380.
- 10- رفعت جاه، مریم، بازتعریف هویت اجتماعی زنان، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1382.
- 11- ریتزر، جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، 1374.
- 12- ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1375.
- 13- ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1378.
- 14- ساعی، علی، تحلیل آماری در علوم اجتماعی با نرم افزار spss for windows، تهران: انتشارات کیان مهر، 1381.
- 15- سرایی، حسن، مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق، تهران: انتشارات سمت، 1372.
- 16- شایگان، داریوش، افسون زدگی جدید - هویت چهل تکه و تفکر سیار، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، 1378.
- 17- شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران: انتشارات سروش، 1380.
- 18- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه علی پایا، جلد دوم: قدرت هویت، تهران: انتشارات طرح نو، 1380 b.
- 19- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه ای، ترجمه علی پایا، جلد اول: ظهور جامعه شبکه ای، تهران: انتشارات طرح نو، 1380a.

- 20- کرلینجر، فرد، ان؛ پدرهازور، الازارجی، رگرسیون چند متغیری در پژوهش‌های رفتاری، ترجمه حسن سرایی، تهران: انتشارات سمت، 1384.
- 21- گل محمدی، احمد، جهانی‌شدن فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی، 1381.
- 22- هلد، دیوید- مک‌گرو، آنتونی، جهانی‌شدن و مخالفان آن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1382.

فهرست منابع لاتین:

- Religion and Globalization. London: sage, ۱- Beyer, P. ۱۹۹۴
- ۲- Castells, M. ۱۹۹۴, European Cities, the informational Society and the Global Economy, New left Review, ۲۰۴.
- ۳- Deaux, Kay, ۲۰۰۲. Models, meanings and stimul, In Dora copozza & Rupert Brown (Eds) social identity processes: Trends in theory and Research, London: sage.
- ۴- Giddens, A. ۱۹۹۱, Modernity and self Identity, Cambridge: Polity Press.
- ۵- Giddens, ۱۹۹۴, Living in a post-T.
- ۶- Smith, A. ۱۹۹۵, Nations and Nationalism in a Global Era, Cambridge. Polity Press.

